

سِرِّ فی سِرِّ

سروده‌های

شیر شهاب تبریزی

در مدح و رثای حضرت ابا عبد الله الحسین (ع)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

فردکانی، سامان، ۱۳۶۸

عنوان و نام پدیدآور

سرفی سر: در مدح و رثای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) / سروده‌های شمس

شباب تبریزی

مشخصات نشر

تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری

۱۶۰ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م

شابک

۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۵۳۳ - ۸

وضعیت فهرست‌نویسی

فیبا

موضوع

حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۱۱۶۱ ق - شعر

موضوع

Hosayn ibn Ali, Imam III, 625 - 680 - Poetry

موضوع

شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع

Persian poetry - 20th century

موضوع

شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴

موضوع

Religious poetry, Persian - 20th century

رده‌بندی کنگره

۱۳۹۶، ۵۸/۳۶، PIR۸۳۵۷

رده تدوین

۸۵۱/۶۲

شابک

۱۸۴۱۶۸۶



سرفی سر

سروده‌های: سامان فردکانی شمس شباب تبریزی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: راجا، طراحی و ساخت: نشر سفیر اردهال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر اردهال

شمارگان: ۳۰۰ نسخه ♦ شماره ثبت: ۱-۶۰۲

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۶، انتشارات سفیر اردهال www.safirardahal.ir

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۵۳۳ - ۸

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، رو به روی بانک ملی ایران،

ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۹۳۴۲-۸۸۳۱۳۸۹۸ کد پستی: ۷۴۷۱۵-۱۵۸۱۸

email: safirardahal@yahoo.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه.....	۹
مقدمه به قلم استاد فغانی.....	۱۳
مناجات و کسبی به کاهی/ تویی که بر دل دیوانه آه می‌بخشی.....	۱۹
طغرای دل/ به می‌کند غم خوبان بی وفا با دل.....	۲۱
در مدح مولی حضرت علی بن ابیطالب علی‌السلام/ نَحْنُ مغروق فی بحورِ علی... ۲۴	۲۴
عنقای ولا، قاف توحید اسم حسن بهشتی قسم به قامت طویی.....	۲۸
زبانحال حضرت امام غیب‌السلام بعد از شهادت حضرت زهرا(س) در بقیع/ علی	
ولی خدایا، هیکل ولایت و دین.....	۳۴
بانوی نور/ اعوذ بالله چون ز شیطان رجم.....	۳۷
وصیت حضرت زهرا (س)/ عم اوغلی اولمه... و دل اهل محنت سیز.....	۴۶
سرفی سر/ شد چو مستغرق دل اندر بحر غم.....	۴۹
مکالمه حضرت مولی الکونین (ع) با اصحاب خویش در شب عاشورا/ لاجرم شه	
سرو قامت راست کرد.....	۵۳
مشاهده اصحاب جایگاه خویش را در بهشت/ شاه آن دم بزم حسن ساز کرد.....	۵۵
اطمینان حضرت زینب از پابندی حضرت عباس(ع)/ زینب(س) آن سر مهربان	
ملیک.....	۵۷
برگشتن حضرت زینب به خیمه گاه و مژده بر اطفال شاه/ هشت بر خرگاه عصمت	
پای دل.....	۵۸
نظاره ماه شب، احوال اهل بیت را/ ماه از ایوان عشر اندر نظار.....	۵۹
کیف تشنگی و پریشانی اهل بیت (ع)/ همت غم گر بلند آید مرا.....	۶۰
مشق جنگ حضرت زینب (س) بر کود کانش/ سوی دیگر بانوی فرخنده پی.....	۶۲

- گفتگوی حضرت مولی الکونین (ع) با خواهرش / آن زمان خاتون افرشته خدم ... ۶۴
- سرکشی حضرت زینب (س) از خیمه‌ها مشاهده وفات حضرت عباس (ع) / شد چو زینب را ملال اندازه بیش ۶۷
- مکالمه الشجع الناس با شمشیر / خنجر، هشدار در پیکار عشق ۶۹
- عزم حضرت زینب (س) به خیمه پادشاه عشق و گزارش وفاداری عباس (ع) / ماه چرخ عصمت آن علیا جناب ۷۰
- تشرف حضرت ابوالفضل به خیمه مولی الکونین (ع) و مکالمه شاه و وزیر / بر حضور شاه شد با فرط تب ۷۲
- حالات پیر آخرین نگهبان کربلا در شب عاشورا / باز شوری بر دل و جانم افتاد ۷۴
- آمدن صای نیسی از خاک کربلا بر گوش بریر / کای بریر امشب شب مستانگیست ۷۶
- کیفیت عطش نعل بی بی (ع) / شد چون آن شب را سیاهی چیره تر ۷۸
- حالات طفل الرضیع علی مفرع (ع) / اتل چون عنقا به قافش بسته بال ۸۱
- زبانحال حضرت ابی عبدالله ع / سلام در شب عاشورا به خواهرش / گرچه ظاهراً گلشن ولا باد ظلمیله تار مار اولاد ۸۴
- زبانحال ابی عبدالله (ع) در بالین علی کبر (ع) / ای طریق بلایه اولان بوچولده بلد ۸۹
- استمداد حضرت قاسم بن الحسن (ع) / خرابیات بلا در دل بر غریبه بوی قاسمدن ۹۳
- احوال قتلگاه آمدن جبرئیل / دنیاده عشق قاف بلاتون ۹۷
- اشراق توحید راز و نیاز مولی الکونین علیه السلام در قتلگاه / بی بعید گهده گرچه سته دل مقرب اولدی ۱۰۲
- زبانحال حضرت عقیله العرب در قتلگاه / ای نوش ایلین باده خون جام بلادن ۱۰۶
- ترکیب بند احوالات تنور خولی / اولاندا قلزم قالوایلا بسی مواج ۱۱۲
- مقدمه‌ای در بیان قبض روح حضرت مولی الکونین امام حسین علیه السلام / درد یا درمان نمی خواهد دلم ۱۲۱

- آمدن حضرت قابض الارواح برای قبض روح آن حضرت/ قابض الارواح با اذن
 ودود ۱۲۵
- احوالات شام غریبان/ این شنیدستم که آن شب نیمه شب ۱۲۸
- مکالمه حضرت زینب (س) با کودکان در شام غریبان/ کای به قید جعد جانان
 بسته ها ۱۲۹
- ساربان قافله طمع/ شد چو مشکین پوش چرخ نیلگون ۱۳۱
- آمدن شهزاده به خلوتگاه شاه کربلا/ لیک مجنونی صغیر از خیمه گاه ۱۳۵
- کوچ از قتلگاه زبانحال حضرت زینب (س)/ قارداش بو پیکرین باشا باش قاندی
 یاره دی ۱۴۰
- زبانحال حضرت زینب (س)/ کوفه/ هزاران یوسف مصری غموندن پیچ و تاب
 ایلر ۱۴۲
- زبانحال حضرت زینب (س)/ کوفه/ دیار کوفه ده تاگوردی قارداش باشینی
 زینب ۱۴۴
- زبانحال حضرت رباب (س) در راه شام/ بانو با علی یوزه زلفون نقاب ایدیر ۱۴۸
- زبانحال حضرت رقیه (س) به رأس انور پدرش/ زینب عشقیده عمه م کیمی غوغا
 ایلدیم ۱۵۱
- زبانحال حضرت عقيله العرب (س) در اربعین/ گورنده زینب امیر حسین تربینی ۱۵۴

مقدمه به قلم استاد فغانی

ادبیات، سیطره معنای آن چنان وسیع و پر دامنه است که بزرگان این وادی گفته اند: ادبیات گران‌ترین و اصیل‌ترین گوهر و میراث نیاکان و پدران است که موجب عزت و بزرگواری انسان می‌شود. اگرچه ارباب سخن، علوم مربوط به ادبیات را اشراف ادیب به فنون لغت، صرف و رسم، اشتقاق، معنای و بیان و عروض و قافیه دانسته‌اند ولی حدود ادبیات فرا از این معنی است. ادیب و شاعر، هرچند نادره است، اما تسلط به فنون ادب، بدون اینکه متزین به خصایص مستحسن موصوف در نص قرآن و کلام ائمه معصومین علیهم السلام باشد راه به جایی نمی‌برد. چنانکه سعدی فرماید:

زمین به تیغ بلاغت گرفتگی ای سپاس دار که جز فیض آسمانی
در طول تاریخ علی‌الخصوص بعد از حلول خورشید اسلام چه
بسیار شاعر نغزگوی که علی‌رغم فصاحت و بلاغت کلام، در ظلمت
گمراهی هستند و ای بسا ادیب و شاعر که با توسل به صناعات بدیع،
طبع منبع و با تکیه بر معادن الحقایق و حزان العلم و ابواب الایمان
یعنی حضرات معصومین صلوات الله علیهم، خالق آثاری هستند که

موجب رستگاری و سعادت دنیوی و اخروی خود و دیگران شده‌اند.
چنانکه نظامی می‌فرماید:

تساکند شرع ترا نامدار نامزد شعر مشوزینهار
وصول علم هر چند گرانقدر و سترگ به غیر از ناحیه آل محمد
علیهم السلام شطح و طاماتی بیش نخواهد بود و صد البته موجب
ضلالت و خسران.

امام همام حضرت باقر العلوم می‌فرماید:
گر شیرین و غرب جهان را سیر کنید علم صحیح نمی‌یابید مگر
آنچه از ما اهل بیت صادر شده باشد (کافی جلد ۲، صفحه ۳۲۸).

و در نصیحت اهل بیت و مؤمنان صلوات الله علیه به کمال می‌بینیم:
(یا کمال لا تأخذ الا ما تکن منا) علوم را به غیر از ما اهل بیت
مگیر تا از ما باشی.

خاستگاه علوم حقه همانا ذوات مقدسه ائمه معصومین است که
ادیبان و شاعران مؤید با خلق آثار ماندگار و بدیع رستگار و فائز
شده‌اند.

شاعر ساحر بیان و نوخیز ما جناب آقای سامان فدکائی متخلص
به شمش شاد که در عنفوان جوانی در زمره شعرای ناب گوی است
که خود بر این مهم اذعان دارد.

نه چو خدی مدعی شعره و لبیک چنین رقم و ورا زهرا به هر ولایت
ما در این وجیزه ناچیز قصد داریم به هنرنمایی افسون گرانه جناب
شمس شاد، نگاهی هر چند مختصر به عنوان مقدمه بر مجموعه وزین
ایشان داشته باشیم.

جناب شمس شاب با شعر ساحرانه خود، موجب قبض و بسط خاطر مستمع و نفوذ به اعماق حسی و تحریک عواطف هر نیوشنده به طور غیر ارادی می شود، چنانکه با سحر بیان خود، در دل و جان هر خواننده و مستمع، آفریدگار بهجت شگفت انگیز و موجب تکریم و تحسین است.

براق نیزه ده معراج چخمش یاره لی باشون

به عینه شرح ایدور محراب او ادنای خم قاشون

یو مدره نوکه اختر تک سپهر وجهه گوزیاشون

که هر بیر دانه سینه غبطه سنگ شهاب ایلر

شمس شاب از بکار کیر، الفاظ متداول بازاری امتناع می کند و از استعمال الفاظ غیر فاخر و محارری و معانی پست و حقیر و همچنین از تشبیهات عامیانه و مضامین خنک و نریز دارد و از اینکه محبوب عوام باشد خرسند نیست و شعر عوام پسند نمی سراید. به قول جامی که در سلسله الذهب می نویسد:

شعر کافتد قبول خاطر عام خاص دانا که سست باشد و خام

او با ظرافت خاص و مبدعانه الفاظ فاخر را در شعرش استخدام کرده و همچنین با تخیل منیع و طبعی افسونگر چنان هنرنامه از عذاب الفاظ فصیح و دلنشین و الفاظ شریف و گوارا و فخیم و در عین حال آسان را بکار می گیرد که هیچ منتقد منصف را توان ناخن خدشه به شعر با سلاست و جزالت او نیست.

باجی بو گیجه خیمه لرده وار شور و شوق بی حد و منته
 خیمه یوخ ثریای عشقدور شرق و غربی ظلما تیدن رها
 واردی بو ثریاده زهره و هم سهیل و ناهید یله سها
 صبح خجلتیندن قمر ولی برج صبریدن برکنار اولار
 تبلور خلوص و صداقت لهجه در شعر شمس شاب چونان چشمه
 رلالی است که آئینه هر شنونده طالب فیض را صیقل داده و موجب
 عطف عنایت جویندگان معرفت و پویندگان طریق آل محمد علیهم
 السلام می شد.

سرچشمه ابوالبشری یا علی آب ناب ایدن سنسن
 سنگ سندان آسمانلاردا بیر نظرده شهاب ایدن سنسن
 منی چرخ ایدم گام یا علی شمس شاب ایدن سنسن
 یوخسا قطره کمال دنیانی گتیرنمز دیله به رسم وفاق
 از آنجایی که هر مؤثری در آثار خود مشهود است شمس شاب در
 تلاطم طوفان های فتن مکاتب ظالمانه و در اشته بازار شعر باطله اگر
 دیگرانش غزل سرا و در بند زلف یار و عشق معاز می دانند او خود را
 شاعر اهل بیت علیهم السلام می داند و با این منصفانه ماهانه مباحثات
 می کند.

روح القدس مدد قیلا یا شاه کربلا دعوی نوحه یازما قیلا شمس شاب
 چو خلار غزل سرا تانیوللر اونی ولی هر دمه اهل بیت ثنائین کتاب
 هنر توصیف به استعاره و تشبیه و مجاز و کنایه یکی از
 افسونگری های شمس شاب است که در مثنوی های او با کمال
 امانت داری و اندوخته های دینی و عاطفی و احساسی و با دستمایه

بلاغت و فصاحت به چشم می خورد.

کمال وصلیده یاریده بیر عهده ایلین عاهد

نجه عاهد که اسرار لقایه برترین شاهد

اوخ آتماقه حسینه استخاره ایلین زاهد

اندیدی استخاره کاش او دم گیسوی قاسمدن

اگر از مثنوی سرگ رود کی بگذریم، شکوفایی مثنوی در فرهاد و شیرین نظامی، با بحر هزج مسدس مخذوف مقصور به اوج خود رسیده و این هنر ارزنده، در ساحت شعر رثایی، در مثنوی حجت الاسلام نیر به سر حد کمال رسیده است.

مثنوی های شمس شب بدآور زیبایی های مثنوی نظامی ویده و نوید باز آفرینی شعر مرموم نیر را می دهد.

شد چو مشکین پوش چرخ نیلگون بد روز واپسین در دشت خون

یوم عاشورا گذشت و شام شد بر طایان زای خون آرام شد

گرد و خاک کارزار اهرمن خفت بر روی سلیمان زمن

مه به سیر خویش اندر اشتباه چهرش از آه قر بریان سیاه

حشو و تطویل و الفاظ غیر مفید که شعر را معیبر و سستم را

خسته می کند در شعر شمس شب به چشم نمی خورد ولی گاه اشعار

به شعر او بلاغت خاص می افزاید.

این شنیدستم که آن شب نیمه شب گشت اولاد نبوت جان به لب

پرده پوش خرگه عصمت مقام زینب آن بنت الجلال مستطام

خرگهی از پاره های خیمه ها مأمنی زد بر عیال مصطفی

کودکان شد در همان خرگاه جمع جملگی پروانه زینب نیز شمع

سوز و سازی شد در آن مأوای دود کز زمین برخاست بانگ یا ودود

امید است با عنایت خاصه حضرات معصومین علیهم السلام شاهد
موفقیت روز افزون و نشر دیگر آثار گرانسنگ از این شاعرنازک خیال
باشیم.

زمستان ۱۳۹۵

تبریز - فغانی

www.ketab.ir